
سبّ و لعن

بسم الله الرحمن الرحیم

سب و لعن

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سب و لعن

مشخصات کتاب

مقدمه

موضوع سب ولعن از مسائل نخستین در جهان اسلام بلکه در عالم بشری و مورد ابتلای جوامع مسلمان و غیرمسلمان می‌باشد، و ابعاد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی وسیع دارد، و جنبه‌های روانی و تبلیغاتی آن چشمگیر و قابل بحث و بررسی فراوان می‌باشد. پس این موضوع از تاریخچه و قدمت طولانی برخوردار است و چنانچه خاطر نشان خواهیم نمود این موضوع حداقل در درون جامعه اسلامی و در برخورد با پیروان مذاهب و مسالک مختلف مطرح و مورد ابتلاء بوده وهست. مسئله مهمی که در اینجا مطرح خواهد شد این است که متأسفانه موضوع سّب و لعن کاملاً تفکیک نشده و در مواردی خلط مبحث شده بطوری که عده‌ای با حسن نیت لعن و ناسزا را هردو فی حد نفسه عملی ممنوع می‌انگارند، در صورتی که این دو باهم متفاوتند هم در مفهوم و هم در حکم و هرکدام مصادیق متفاوت دارند، سب و ناسزا مطلقاً ممنوع است حتی به دشمن بدخواه و کافر. چنانکه قرآن تصریح دارد، و اما لعن در مواردی مجاز است و موارد مجاز و عدم جواز آن در قرآن و سنت به تصریح آمده. و هدف و محور اصلی بحث ما در این رساله و جزوه همین مطلب است که با ادله فقهی و نقلی سب و فحش را نفی نموده و شیعه را از آن مبّرا کنیم و در مقابل با ادله از قرآن و سنت و فتاوای فقهاء به موارد جواز و عدم جواز لعن و نفرین بپردازیم. بنابراین جا دارد که سب و لعن را از دیدگاه لغوی و اخلاقی و تاریخی و روائی و قرانی و فقهی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم و به تفاوت معنوی و حکمی بین آنها توجه کنیم و به ذکر موارد و مصادیق هرکدام بپردازیم، باشد که با روشن شدن حقیقت جواب محکم و قاطعی به یاوه‌گویان و کسانی که شیعه را متهم به ناسزاگویی به صحابه می‌نمایند داده باشیم. و چون این نوشته در حد یک رساله و بنابر ایجاز و اختصار می‌باشد، ما بحث خود را در چند محور متمرکز می‌نمائیم و در ضمن به صورت اجمال به بحث در مورد فروع هرکدام از این مسائل می‌پردازیم: ۱ - سب و لعن از بعد اخلاقی و تربیتی ۲ - سب و ناسزا از دیدگاه قرآن و سنت - حکم سب خدا و پیامبر و امامان معصوم ۳ - لعن و نفرین از دیدگاه قرآن و سنت ۴ - نظر فقها فریقین نسبت به سب و لعن - آیا سب و شتم مسلمان بخصوص صحابه موجب فسق و کفر است؟ - آیا لعن معاویه و پسرش یزید جائز است؟ - آیا لعن بعضی از صحابه از جمله شیخین جائز است؟ - نتیجه و خلاصه بحث. - نفرین شدگان توسط قرآن کریم کدامند؟ - نفرین شدگان توسط پیامبر اکرم (ص) کدامند؟

سب و لعن از بعد اخلاقی و تربیتی

مقدمه

به تعریف سب و لعن می‌پردازیم. غزالی سب را اینطور تعریف می‌کند که: سب عبارت است از گفتن چیزهای زشت با جمله‌های صریح و بی پرده و بدون کنایه و رمز، و بیشتر درباره عمل جنسی و آنچه بدان مربوط می‌شود می‌آید [۱] اما واژه‌های دیگر: فحش، هر سخن و عمل زشت را گویند [۲] هجاء و هجو ضد مدح و ثنا را گویند پس آن مترادف ذمّ است و برخی گفته‌اند هجاء ذکر معایب و کاستی‌ها و بازگو کردن زشتی هاست با شعر «کلام منظوم» هزء و استهزاء همان ریشخند است [۳] و بالاخره لعن عبارت است از: طرد و دور کردن و نفرین و دعای بد. و برخی گفته‌اند: لعن از جانب خدا در آخرت کیفر و عقوبت است و در دنیا انقطاع از رحمت الهی و عدم موفقیت می‌باشد. و لعن از زبان اسانی نسبت به انسان دیگر، نفرین است [۴] و برخی گفته‌اند: لعن از جانب خدا به معنای طرد و دور گرداندن و راندن است و از سوی مردم به معنای شتم و سب و ناسزا می‌باشد. شیخ انصاری در معنی و

مفهوم سب به عرف ارجاع نموده.

اما بررسی بعد اخلاقی مسأله سب و لعن

دشـنام و ناسـزا گویی و لعن و نفرین یکی از آفـات زبان است که متأسـفانه در جوامع اسـلامی رایـج است و در نکوهش آن علمای اخلاق از فریقین افاداتی دارنـد که به آنها می‌پردازیم: غزالی در نکوهش سب و لعن می‌نویسد: فحش و سب نکوهیده‌اند و از خبث نفس ناشـی می‌شونـد رسـول خـدا(ص) فرمـود: «انَّ اللَّه لاـ یحـبّ الفـاحش المتفحش الصیّاح فی الأـسواق» یعنی: خداونـد دوسـت نمی‌دارد فحش دهنده بسیار دشنام گوی را که در بازارها عربده و فریاد می‌کشد. درباره ضد اخلاقی و اسلامی بودن لعن و نفرین، غزالی می‌نویسـد: لعن و نفرین یـا برای جهـاد است و یـا برای حیوان یـا انسان. و همه آنها نکوهیـده است پیامبر فرمود «المؤمن لیس بلعّان» یعنی: مؤمن بسیار نفرین کننده نیست [۵] و صـفات مقتضـی لعن و نفرین سه چیز است: کفر، بدعت و فسق و در هر سه مورد به سه صورت قابل تحقق است اول لعن به صـفت کلی مثل لعنت خدا بر کافران، فاسـقان و بدعتگذاران. حرّم لعن و نفرین با وصف خصوصـی مثـل لعنت بر یهود، نصاری، مجوس و خوارج. سوم لعن شخصـی مثلاً بگویـد لعنت بر یزیـد.... غزالی می‌گویـد در مورد نخست مجازات کنیـد. سومی خطرناک می‌باشد و جز در مورد اشخاصـی که یقیناً کافر و بی توبه مرده‌اند مثل ابوجهل و فرعون که لعن شـخص آنها شـرعاً ثابت است در بقیه موارد باید از لعن شخصی اجتناب کرد. غزالی در ادامه بحث با طرح چند سؤال و جواب درباره لعن یزید و قاتل امام حسـین مطالبی دارد که در بخش دیگر این رساله به بحث و بررسی آن می‌پردازیم. موسی مهدی نراقی هم گـاهی بـا آوردن عین عبارات عزّالی و فیض به بحث پرداخته می‌نویسـد: شـکی نیست که سب و فحش از کارهای نکوهیـده در شریعت اسلامی است و موجب حبط اعمال و خسران مال می‌شود و از مصادیق اذّیت و آزار و ضرر می‌باشد که عقلاً و شرعاً مذموم و ناپسـند است. پیامبر فرمود: «لاتسبوا الناس فتکسبوا العداوهٔ منهم» یعنی: به مردم فحش و ناسزا نگویید که از آنان عداوت و دشمنی خواهید دید [۶] البته کاملاًـ واضـح است که سب و لعن مؤمن حرام است. ولی دربـاره غیر مؤمن «فـاسق، فـاجر و کافر و ظالم» جائز بلکه بخصوص لعن آنـان مسـتحب و طـاعت و عبادت می‌باشـد چنانکه در دعاهای مأثوره و نیز در خود قرآن کریم افراد ظالم مورد لعن و نفرین قرار گرفته‌اند و ما در بخش بعدی این رساله به موارد جواز و عدم جواز لعن می‌پردازیم. انشاءاللَّه

سب و ناسزا از دیدگاه قرآن و سنت

اشاره

قرآن در مورد سب و دشنام کفّار می‌فرماید:«ولا تسبوُّا الذین یدْعون من دون اللَّه فیسبوا عَدْواً بغیر علم» [۷] . یعنی: کسانی را که جز خـدا را می‌خواننـد و می‌پرسـتند، دشـنام و ناسـزا مگوییـد چون ممکن است آنها نیز خـدا را از روی جهالت و نادانی فحش و ناسـزا می‌گویند. امام فخر رازی می‌نویسد: بعید نیست، برخی از یاران محمد(ص) از گزافه گویی مشـرکان به تنگ آمده و از روی خشـم و معارضه، بت‌ها را ناسـزا می‌گفته‌اند و خداوند متعال مؤمنان را از این کار بازداشت چون شـتم و ناسـزاگویی به بت‌ها، مشـرکان را عصبانی می‌کرد و آنان را به گفتن سخنان زشت وامی داشت. استاد علامه طباطبائی هم بیانی هماهنگ با کلام سایر مفسران – اما با ویژگیهـای خود – دارد ایشـان چنین می‌نویسـند: آیه، یـک ادب دینی را یـاد می‌دهـد که بدانوسـیله مقـدسات دینی جـامعه صـیانت می‌شود و سـاحت دین از آلوده گشـتن به اهانت و سـخنان سـخیف و رکیک نابخردان و شـتم و فحش و ناسـزاگوئی سـفیهان حفظ می‌شود. – ما در اینجا در باب نهی از سب و شـتم به یک آیه دیگر استشـهاد کرده و به این مقـدار اکتفا می‌کنیم و به سـراغ روایات رسیده در این موضوع می‌رویم تا بحث ما در این زمینه کامل‌تر شود. خداوند در سوره حجرات می‌فرماید:«یا ایها الذین آمنوا لایَسْخَر

قومٌ من قوم عَسَی أن یکونوا خیراً مِنهُم و لانساء من نساءٍ عَسَی أن یَکُنَّ خیراً منهنَّ...» «الحجرات آیه ۱۱» یعنی: ای ایمان آورنده‌ها! مردمی از شما مردمان دیگر را مسخره نکنند، شاید آنان بهتر از ایشان باشند، و زنان، زنان دیگر را مسخره ننمایند شاید اینان بهتر از ایشان باشند....

بررسی چند روایت در زمینه سب

از طریق شیعه و سنّی نقل شده است که رسول خدا فرمود:«سباب المؤمن فسوق...» [۸] یعنی ناسزاگویی به مؤمن فسق و گناه است. و در دیگر روایات بطور کلی از فحاشی و بد دهنی ممانعت بعمل آمده و انسانها از دشنام و ناسزاگویی - یا دو انگیزه‌ای - حتی به طبیعت بی جان، باد، روزگار و مردگان و هرچیز دیگر، بازداشته شده‌اند [۹] از جمله صفات پسندیده و خصال نیکو رسول خدا آن بود که هرگز بددهنی و ناسزاگویی نمی‌کرد. «لم یکن رسول اللّه سبّاباً ولا لعّاناً ولا فحّاشاً» [۱۰] . حضرت علی ابن ابی طالب (ع) به یاران خود در جنگ صفین فرمود:«انی اکوه لکم ان تکونوا سبابین و لکنکم لو و صفتم اعمالهم و ذکرتم حالهم کان أصوبل فی القول و ابلغ من العذر» «نهج البلاغه خطبه ۱۹۹». من دوست ندارم که شما فحاش باشید ولکن اگر شما بجای دشنام اعمال آنها را توصیف و احوال آنها را ذکر کنید به حق نزدیکتر و برای اتمام حجت بهتر است. از مجموعه این روایات و برداشتی که از آیه ۱۰۸ سوره انعام داشتیم استفاده می‌شود که سب و دشنام بطور کلی عمل غیر اخلاقی و مطلقاً جائز نیست و با وجود این ادله قاطع چگونه یک مسلمان به خود اجازه می‌دهد که به مسلمان دیگر فحاشی کند، و شیعه آگاه که خود را مقید به پیروی از قرآن و سنت پیامبر اکرم و اهل بیت می‌داند هرگز، زبان خود را به سب و فحش آلوده نمی‌کند، و اگر سب و فحش از بعضی جهال شیعه شنیده شد، نتیجه عکس العمل بعضی اعمال و گفتار و رفتار برادران اهل سنت می‌باشد که نسبت به صحابه راه افراط را پیش گرفتند و قائل به عدالت همه صحابه شدند و اگر کسی از مسلمانان معتقد به عدالت جمیع صحابه نشد او را سرزنش می‌کنند و حتی او را فاسق می‌شمارند. و مدعای ما این است که بر فرض کسی جاهلانه یا عالمانه به خاطر ظلمی که بعضی صحابه نسبت به اهل بیت روا داشتند، دشنام نمود و یا آنها را چون قرآن لعن نمود، این امر موجب فسق و کفر دشنام دهنده نخواهد بود و ما در بخش دیگر این رساله به بحث و بررسی بیشتر همراه استدلال به این مسئله خواهیم پرداخت.

حکم سب خدا و پیامبر و امامان معصوم

از فروع مهم مسئله سب موضوع سب و ناسزاگویی به خدا و پیامبر و انبیاء دیگر و امامان معصوم می‌باشد که احترام آنان از هر مؤمن دیگر بیشتر است و سب و دشنام به آنها دارای بعد سیاسی، اجتماعی می‌باشد و جنبه جنگ روانی و تبلیغاتی دارد. همزمان با ظهور اسلام در مکه و پس از آن در مدینه، یهود سست پیمان و مشرکان عهدشکن و بی فرهنگ و دیگر کفّار فسادگستر، شیوه سب به پیامبر را پیش گرفتند، و اسلام برای حفظ قداست پیامبر در فقه سیاسی اش با این جریان برخورد اصولی کرد و دشنام دهنده به خدا ورسول خدا هم چنین دشنام دهنده به بقیه انبیاء را مهدورالدّم دانست و حکم به اعدام آنها کرد. و به عقیده ما شیعیان دشنام دهنده به امامان معصوم و حضرت فاطمه (ع) نیز مهدور الدم و محکوم به اعدام می‌باشد و این مطلب را از اقوال پیامبر (ص) و ائمه معصومین استفاده می‌کنیم و فقهاء عظام ما نیز به استناد همین اقوال چنین فتوائی دارند. صاحب جواهر می‌نویسد: هرکس پیامبر (ص) را سب و دشنام و ناسزا گوید شنونده می‌تواند بلکه واجب است او را بکشد بی آنکه احدی از فقهاء در این مسئله مخالف باشد بلکه اجماع محصّل و منقول برآنست [۱۱] علامّه حلّی می‌نویسد: هرکس خدا و رسول و انبیاء و فرشتگان و امامان را سب و ناسزا گوید نزد ما قتل او واجب می‌شود امّا جمهور (اهل سنت) گویند از او می‌خواهند توبه کند اگر توبه نکرد تعزیرش می‌نمایند [۱۲] و در حدیث آمده: پیامبر (ص) در فتح مکه فرمود: هیچ کس را نکشید مگر کسی را که با شما قتال کند و جز اشخاصی که

پیامبر را با شعر هجو و آزار کرده باشند. از آن جمله دو دختر خنیاگر که با ترانه، رسول اللّه (ص) را سب و ناسزا می‌گفتند و پیامبر فرمود آنها را بکشید هرچند که خود را از پرده کعبه بیاویزند و به خانه خدا پناهنده شوند [۱۳] هدف از ذکر این فتوی و حوادث تاریخی و سیره‌ای آنست که ابعاد سیاسی اجتماعی دشنام به رسول خدا را روشن‌تر سازیم و توضیح دهیم که چرا پیامبر این امر را چنین مهم تلقی فرموده است و چرا در تداوم همان جریان مرحوم امام خمینی کار ضد اسلامی سلمان رشدی را جدی گرفت و رسماً وجوب قتل او را اعلام فرمود. فتوائی که با نظر همه مذاهب اسلامی موافق است منتهی اختلاف بر سر اینست که اگر این مرتد فطری باشد «یعنی کسی که پدر و مادرش یا یکی از آن دو مسلمان بوده‌اند و وی مرتد شده‌است» و توبه کند آیا توبه‌اش پذیرفته می‌شود یا نه. محتاطترین فقها در این باره می‌گویند باید به مرتد سه روز مهلت داده شود اگر توبه کرد پذیرفته می‌شود و در غیر اینصورت حکم قتل درباره وی جاری می‌شود. بنابراین طبق فتوا همه فقهای مذاهب خمسه سلمان رشدی که مرتد فطری است اگر اکنون هم واقعاً توبه کرد شرعاً محکوم به اعدام می‌باشد و این سزای کسی است که به پیامبر و دیگر مقدسات اسلام اهانت کند.

لعن و نفرین از دیدگاه قرآن و سنت

در قرآن کریم بیش از چهل بار بعضی افراد بخاطر داشتن بعضی از صفات و حالات مورد لعن خدا، رسول، ملائکه و مؤمنان قرار گرفته‌اند که به بعضی از آنان اشاره می‌شود و در اینجا به نوشتن آدرس آیه‌ها اکتفا می‌کنیم و متن عربی آیه‌ها را در آخر همین رساله جهت استفاده بیشتر به رشته تحریر در می‌آوریم. ۱ – شیطان: الحجر آیه ۳۵ و آیه ۷۸ ۲ – کافرین: البقره آیه ۱۶۱ و الأحزاب آیه ۶۴ ۳ – مشرکین و منافقین: الفتح آیه ۸ والتوبه آیه ۶۸ ۴ – ظالمین: هود آیه ۱۸ و غافر آیه ۵۲ ۵ – مفسد فی الارض: پیمان شکنان و کسانی که قطع صله رحم می‌کنند الرعد آیه ۲۵ ۶ – دروغگویان: ال عمران آیه ۶۱ ۷ – یهود و اصحاب السب: المائده آیه ۷۸ و النساء آیه ۴۷ ۸ – کتمان کنندگان حقیقت: البقره آیه ۱۵۹ ۹ – بهتان زنندگان به زنان پاکدامن: النور آیه ۲۳ ۱۰ – آزار دندگان به پیامبر(ص): الأحزاب آیه ۵۷ ۱۱ – قاتل مؤمنین: النساء آیه ۹۳ ۱۲ – جهنمیان: الأعراف آیه ۳۸ علاوه بر اینها گروههائی هستند که در اخبار و احادیث پیامبر لعن شده‌اند که ما بعنوان نمونه به ذکر و ترجمه یک خبر از اخبار و روایاتی که در آخر همین رساله آوردیم اکتفا می‌کنیم، و طالبین بیشتر می‌توانند به متن عربی همراه با آدرس این روایات در آخر همین رساله مراجعه فرمایند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: من هفت گروه را لعن می‌کنم که خداوند و همه انبیاء آنها را لعن کرده‌اند. ۱ – کسی که در کتاب خدا چیزی بیفزاید و آنرا تحریف کند. ۲ – کسی که قضاء وقدر الهی را تکذیب و انکار کند و آنرا نپذیرد. ۳ – کسی که با سنت و خط مشی و آئین زندگی من مخالفت کند. ۴ – کسی که حرام خدا را حلال کند. ۵ – کسی که با زور سرنیزه و حکومت مستبدانه و دیکتاتوری بر امور مردم مسلط شود تا با کسانی که خداوند آنها را خوار و ذلیل کرده عزت و بزرگی بدهد و کسانی را که خداوند آنها را عزیز و بزرگ قرار داده ذلیل و پست گرداند. ۶ – کسی که اموال عمومی و ثروتهای ملی را به یغما ببرد و حیف و میل نماید و ضرر مسلمین آنها را مصرف کند. ۷ – کسی که حلال خدا را حرام شمارد. پیامبر (ص) افراد دیگری چون فراریان از سپاه أسامه ابن زید و ابوسفیان و معاویه و یزید را لعن فرمود که ذکر و بحث آن خواهد آمد. و نیز در مورد لعن و نفرین آیات و روایات فراوانی وجود دارد که ما بخشی از آنها را در آخر همین رساله ذکر می‌کنیم. در اینجا توضیح اجمالی در مورد روایات در منع لعن و نفرین که کم نیستند ضروری بنظر می‌رسد. آن جمله است فرموده رسول خدا: «المؤمن لیس بلّعان» یعنی مؤمن بسیار لعن و نفرین کننده نیست. اولاً: باید گفت لحن این روایات با لحن منع از سب و ناسزا تفاوت دارد. ثانیاً: ناظر به مواردی است که لعن مجاز نیست و شخصی استحقاق لعن و نفرین را ندارد. ثالثاً: با توجه به اینکه در بسیاری از این احادیث صیغه مبالغه به کار رفته روشن است که کسانی مراد این روایتند که دهانشان همیشه و بنا حق به لعن و نفرین باز است.

نظر فقهاء فریقین نسبت به سب و لعن

اشاره

اگرچه در بحثهای گذشته پاره‌ای نکات را در حکم شرعی سب و لعن در برداشت و همچنین در بحثهایی که خواهد آمد لیکن جنبه فقاهتی مسئله ویژگی خود را دارد و باید از زاویه خاص فقهی مورد بررسی قرار گیرد. شیخ انصاری می‌نویسد: سب و شتم مؤمن فی الجمله حرام است به دلیل کتاب و سنت. عقل و اجماع چون ظلم و اذیت و توهین به مؤمن است. البته مؤمن متظاهر به فسق مستثنی است و ناسزاگوئی به وی اشکالی ندارد که او حرمتی ندارد و آیا چنین کاری از باب نهی از منکر است که شرایط آن باید وجود داشته باشد؟ ظاهر فتوی آنست که جواز سب در این مورد از باب نهی از منکر نیست لیکن احتیاط در رعایت شرایط آن است. استثنای دوم در مورد اهل بدعت است که سب و دشنام به بدعتگذار، جایز است و استثنای سوم جایی که دشنام شونده از دشنام ناراحت نشود و یا اصلاً آن کلمه برای او کسرشأن و توهین نباشد [۱۴] . صاحب جواهر در زمینه هجاء می‌گوید: هجاء مومن حرام است اما کافران را می‌توان هجو، سب و لعن و شتم کرد جز فدف و فحش که مجاز نیست [۱۵] امام فخر رازی و امام اهل سنت غزالی کلاً سب و لعن هر مسلمانی را جائز نمی‌دانند و غزالی حتی در مورد لعن یزید می‌گوید جائز نیست. که جواب این دو عالم سنی در بحثهای آینده خواهد آمد انشاءاللّه. ابن اثیر می‌نویسد: سب و ناسزاگوئی به مؤمن وقتی فسق است که از روی تأویل واقع نشود و گرنه فسق و گناه نیست [۱۶] ابن حجر در ص ۲۵۱ صواعق محرقه خود تصریح دارد که مذهب و فتوای او نسبت به کسی که لعن کند تکفیر نیست. امام فخر رازی می‌نویسد: سب اصنام و بت‌ها و بت پرستان، طاعت است ولی چون مستلزم منکر عظیم است احتراز از آن لازم است [۱۷] .

آیا سب و لعن مسلمان بالاخص صحابه موجب فسق و کفر می‌شود

اهل سنت به استناد قولی که از حضرت رسول خدا روایت می‌کنند که:«سباب اعلم فسق یا کفرٌ» حکم به فسق و گاهی به کفر دشنام دهنده به صحابه می‌کنند. ما در جواب آنها به اموری چند متمسک می‌شویم. اولاً: اصل صحت این حدیث به این نحو را رد می‌کنیم و آنچه از طریق ما شیعه روایت شده این است که پیامبر فرمود:«لسباب المؤمن فسوق و قتاله کفرٌ» [۱۸] چنانچه در صحیح بخاری ج ۸ صفحه ۱۸ از حدیث ابن مسعود نیز چنین روایت شده. و حقیقتاً اگر کسی از مسلمانان و صحابه مصداق مؤمن باشد، سب و شتم جایز نیست و اگر این سب عمری باشد موجب فسق است و قتال مؤمن نیز به نص صریح قرآن کفر است، پس سب مؤمن حرام است ولی اگر هم انجام شد مستوجب کفر دشنام دهنده نیست، چه برسد به شتم مسلمان و حتی صحابه‌ای که مؤمن بودنش نیز ثابت نیست. پس برفرض کسی بعضی از صحابه رسول خدا را جاهلاً یا عالماً سب و لعن نمود مستوجب کفر او نمی‌شود چون نه از قرآن و سنت دلیل داریم و نه از اجماع بلکه اجماع برخلاف آن قائم است و فتوای عده زیادی از علمای اهل سنت بر عدم کفر دشنام دهنده می‌باشد، از جمله ابن حجر در خاتمه صواعق محرقه خود و عارف شعرانی در براقیت خود. ابن حجر در صفحه ۲۵۱ صواعق محرقه خود تصریح دارد که مذهب او نسبت به کسی که لعن کند تکفیر نیست و ابن حزم در صفحه ۲۴ از جزء ۴ از کتاب خود بنام" الفصل " تصریح دارد که: امام اهل سنت ابن الحسن علی ابن اسماعیل اشعری و یاران او قائل به ایمان قلبی هستند، و کسی که ایمان قلبی دارد اگر حتی بدون تقیه به زبان خود اعلان کفر کند... و در این حال بمیرد پس او با ایمان کامل نزد خداوند مرده است. و ابن حزم در صفحه ۲۰۶ جزء ۴ همین کتاب «الفِصَل» می‌گوید: اشعریها گفته‌اند که: اگر کسی به مسلمان فحش کند مستوجب کفر نیست و در صفحه ۲۲۷ از جزء سوم از همین کتاب می‌گوید: اگر کسی یکی از صحابه را دشنام کند در حالی که جاهل باشد او معذور است. و شیخ حنفیها ابن عابدین در باب المرتد من کتاب الجهاد صفحه ۳۰۲ حکایت شده که او

تصریح دارد که قول بتکفیر دشنام دهنده صحابه خلاف اجماع فقهاء است. و از صاحب فتح الغدیر نقل شده که: ایشان قطع دارند به اینکه تکفیرکننده صحابه و دشنام دهنده به آنها کافر نیست. ما در اینجا به جهت اختصار به این چند فتوی اکتفا می‌کنیم و به سیره خود صحابه در این باب می‌پردازیم چنانکه در کتب سیره و تاریخ آمده خود صحابه در زمان رسول خدا و بعد از آن با هم اختلاف داشته و همدیگر را سب و لعن می‌کردند بلکه بروی همدیگر سلاح و شمشیر کشیدند و با هم جنگ کردند ولی نقل نشده که همدیگر را تکفیر کرده باشند و پیامبر وقتی صحابه باهم اختلاف داشتند بین آنها اصلاح می‌نمود. در مسند احمد بن حنبل به نقل از ابوهریره آمده که: مردی در نزد پیامبر به ابوبکر سب و فحش نمود و پیامبر لبخند زد و چیزی نفرمود. «مسند احمد ج ۲ ص ۴۳۶». چنانچه بعد از پیامبر (ص) نیز یک صحابه به ابوبکر در حالی که خلیفه مسلمین بود ناسزا گفت و ابو برزه أسلمی می‌گوید یا خلیفه رسول خدا اجازه دهید که گردن او را بزنم. ابوبکر به او گفت: بنشین که این فقط حق رسول خدا است. پس اگر حکم خلیفه نسبت به کسی که به او سب می‌کند چنین است و با وجود فتاوی علمای اهل سنت که برخی از آنها را ذکر نمودیم، پس شما (وهابیون) به چه دلیلی حکم به فسق یا کفر دشنام دهنده صحابه می‌کنید. در ضمن اگر حکم دشنام دهنده به صحابه کفر باشد پس چرا حکم به کفر معاویه نمی‌کنید، کسی که سالهای ممادی بر منابر و در محافل، خود و یاران خود به حضرت علی (ع) سب و لعن می‌گفتند، آیا علی بن ابی طالب یک از بهترین صحابه رسول خدا نبود، آیا نشنیدید و نخواندید که رسول خدا درباره او فرمود:«مَن سَبَّ علیاً فقد سبنی و من سبنی فقد سبَّ اللّٰه...» و دشنام دهنده به خدا و رسول خدا به اجماع علماء و مسلمین حکمش کفر و مهدورالدم می‌باشد و چون پیامبر (ص) این جمله را در خصوص حضرت علی (ع) فرمود، پس دشنام دهنده به حضرت علی (ع) کافر می‌باشد. و نیز چرا شما حکم به کفر فرزند فاسق معاویه، یزید نمی‌کنید کسی که امام حسین فرزند رسول خدا و جمعی از بهترین اصحاب او را ظالمانه و غریبانه به شهادت رساند، یارانی که بیشتر آنها از بهترین اصحاب رسول خدا بودند. و قرآن صراحتاً می‌فرماید: که قاتل مؤمن مستوجب لعن و نفرین است ما در بخش بعدی این رساله توضیح بیشتر در مورد فسق و کفر معاویه و یزید می‌پردازیم و جواز لعن آنها را از کتاب و سنت بیان خواهیم نمود. انشاء اللّٰه.

آیا لعن معاویه و یزید جایز است

اشاره

در تواریخ و کتب سیره آمده که معاویه فرزند یزید وقتی که به خلافت رسید بر منبر رفت و خطبه‌ای در فضائل اهل بیت پیغمبر و فضائل پدر خود و جدش خواند سپس از منبر فرود آمد و از خلافت استعفا داد و گویند مدت خلافت او چهل روز طول کشید. این مطلب را مسعودی در مروج الذهب ج ۳ صفحه ۲۲۶ آورده. و ابن حج در صواعق محرقه خود صفحه ۱۳۴ نیز این مطلب را آورده. مردم هنگامیکه لعن و تبّری فرزندش را مشاهده کردند و از طرفی جنایتهای یزید را می‌دانستند کم کم او را لعن می‌کردند و بلکه از آن هم تجاوز کرده خلفای ثلاث (عمر و ابوبکر و عثمان) را هم لعن و طعن کردند. علمای سنی مذهب جرئت عوام را بر لعن خلفاء دیدند در مقابل آن برآمدند که لعن یزید را حرام کنند بلکه بدینوسیله از لعن خلفاء جلوگیری شود، این مطلب را ملا سعد تفتازانی صاحب مطّول در کتاب خود در شرح مقاصد که در علم کلام تألیف کرده آورده و بدتر از ملا سعد تفتازانی، امام اهل سنت ابو حامد محمّد غزالی طوسی صاحب کتاب" احیاء العلوم " است که در خصوص عدم جواز لعن هر مسلمان پافشاری کرده و به استناد اخبار منع از لعن و نفرین مسلمان حتی لعن یزید را جائز ندانسته، و علمای ما به نوبه خود هرکدام جواب محکم و مستدل به این دو عالم نمی‌دادند و جامع‌ترین بیان را در ردّ پندار غزالی مرحوم فیض دارد که مرحوم نراقی هم از او اقتباس فرموده است مرحوم فیض در ج ۵ محجهٔ البیضاء ص ۲۲۰ درباره سخنان غزالی نوشته:«آنچه غزالی درباره منع لعن یزید گفته است:«فینبغی أن

يُطوى و لا يُروى» شايسته است سب كه طومار آن درهم پيچيده شود و ابداً روايت نشود». ما نيز به نوبه خود در جواب اين دو عالم سنى و همه كسانى كه لعن معاويه و يزيد را جائز نمى‌دانند ابتدا ادله جواز لعن اين دو را از كتاب و سنت و سپس فتواى تنى چند از علماى بزرگ خود آنها آورده آنگاه با توجه به حوادث تاريخى مؤيد و مؤكد جواز لعن به يك نتيجه و جمع بندى خوب و مستدل خواهيم رسيد.

آيات و روايات داله بر لعن معاويه و يزيد

اكثر آيات و رواياتى كه در اثبات جواز لعن بعض از مسلمين و از جمله بعض صحابه آورديم در اثبات جواز لعن معاويه و يزيد نيز منطبق است، بخصوص آيات مربوط به لعن ظالمين و مفسدين. و در اينجا به بعضى از آيات و رواياتى كه يا صراحتاً بنى اميه و بلاخص معاويه و يزيد را لعن كرده و يا اينكه مصداق اتم اين آيات و روايات اين دو ملعون باشند اشاره مى‌كنيم تا استدلال در اين باب كاملتر شود. در آيه ۶۲ سوره بنى اسرائيل خداوند مى‌فرمايد:«و ما جعلنا الرؤيا التى اريناك الّا فتنهً للناس و الشجره الملعونه فى القران و نخوفّهم فما يزيدهم الّا طغياناً كبيرا ». مفسرين اهل سنت مانند امام ثعلين و فخر رازى و ديگران آوردند: كه رسول خدا در عالم رويا ديد كه بنى اميه مانند بوزينگان بر منبر آن حضرت صعود و نزول مى‌نمايند، جبرئيل اين آيات شريفه را آورده كه آنچه ما در خواب به تو نموديم فتنه و امتحان براى اين مردم است و درختى كه به لعن در قرآن ياد شد «درخت نژاد بنى اميه) و ما بذكر اين آيات عظيم آنها را از خدا مى‌ترسانيم وليكن بر آنها جز طغيان و كفر و انكار شديد چيزى نيفزايد. پس وقتى كه خداوند بنى اميه را لعن فرموده، قطعاً معاويه و يزيد كه يكى از اعضا و شاخه‌هاى محكم آن درخت است ملعون مى‌باشند. آيه ديگر در اين باب قول خداوند متعال كه مى‌فرمايد:«و من يقتل مؤمناً متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فيها و غضب اللّه عليه و لعنه و اعدّله عذاباً عظيماً» "نساء آيه ۹۵. " اين آيه شريفه صراحت دارد كه هركسى مؤمنى را متعمداً بقتل رساند ملعون ذات بارى تعالى مى‌باشد و جايگاه او جهنم خواهد بود. آيا حجر بن عدى و هفت نفر از اصحاب او را معاويه به جرم اينكه چرا از على (ع) بيزارى نجستند بقتل نرسانيد؟ آيا حسن بن على (ع) سبط بزرگ پيامبر از اكابر مؤمنين نبود. كه با حيله و نيرنگ معاويه توسط زنش جعده مسموم نشد اين دو مورد و به شهادت رساندن عمار ياسر و محمد بن ابى بكر و مسموم كردن مالك اشتر و ده‌ها مورد ديگر به گواه و شهادت تاريخ نويسان و سيره نويسان بزرگى چون مسعودى و بيهقى و بسط ابن جوزمى كار معاويه بوده آيا شهادت امام حسين و يارانش توسط لشكر يزيد قتل عمد نيست؟! و از همه اعمال قبيح‌تر معاويه قتل عامى كه به امر او بسر بن ارطاهٔ از شيعيان على نمود چنانچه ابوالوج اصفهانى و علامه سمهودى در تاريخ المدينه و ابن خلكان و ابن عساكر و جلدى در تاريخ خود نوشتند.

اما روايات رسيده در باب لعن و نفرين معاويه

در تاريخ طبرى در جلد ۱۱ صفحه ۳۵۷ آمده كه روزى رسول خدا ابوسفيان را ديد كه بر الاغى نشسته و معاويه پشت الاغ و يزيد جلوى الاغ در حركت بودند، پس رسول خدا فرمود: خدا لعنت كند قائد و راكب و سائق را! و بر اين اساس محمد فرزند ابوبكر نامه‌اى به معاويه مى‌نويسد: اى لعين و فرزند لعين... و نيز در صحح مسلم در باب مَن لَعنه النبى (ص) آمده كه: روزى رسول خدا معاويه را سه بار طلبيد و معاويه استجابت نكرد و در سه بار به فرستاده رسول خدا گفت به پيامبر بگو من فعلاً مشغول غذا خوردن هستم، پيامبر معاويه را با اين عبارت نفرين فرمود:«لا اشبع اللّه بطنه» يعنى: خداوند شكم معاويه را هيچگاه سير نكند. و دعاى پيامبر هم مستجاب شد و معاويه در طول عمر خويش هيچگاه سير نشد. اين روايت در مسند ابى داود نيز آمده و هم چنين در كنز العمال ج ۶ صفحه ۸۷ و در ميزان الأعتدال ج ۲ صفحه ۱۷ از رسول خدا روايت شده كه فرمود: اگر معاويه را برمنبر من ديديد او را بكشيد. و اين روايت را نيز ابن حجر در تهذيب التهذيب ج ۷ صفحه ۳۲۴ آورده و هم چنين در ج ۸ صفحه ۷۴ در شرح حال عمر

بن عبید بن باب از جمله دلائل واضحه جواز لعن بلکه دلائل کفر معاویه تمسک به این حدیث شریف رسول خدا که اکابر علمای اهل سنت چون نسائی و ثعلبی و فخر رازی و ابن ابی الحدید و شافعی و ابن جوزی در کتابهایشان آنرا روایت کردند که رسول خدا فرمود:«من سَبَّ علّیاً فقد سبنی و من سبنی فقد سبَّ اللّه» و واضح است چنانکه اکثر تاریخ نویسان و سیره نویسان نوشتند که معاویه خود و یارانش سالهای متمادی در مجالس و منابر به حضرت علی (ع) سب و دشنام می‌فرستاد و مردم را امر می کرد که حضرت علی (ع) را در نماز و قنوت لعن کنند و این بدعت زشت تا زمان عمر ابن عبدالعزیز ادامه داشت آیا با استناد به حدیث شریف معاویه ساب اللّه و پیامبر نیست؟! و حکم چنین کسی آیا کفر و لعن نیست؟! و ابن حجر در صواعق محرقه خود روایتی بهتر و بالاتر از اولی از رسول خدا روایت کرده و آن این است که رسول خدا (ص) فرمود: «مَن سبَّ اهل بیتی فانّما یرتّد عن اللّه و الأسلام و من آذانی فی عترتی فعلیه لعنهٔ اللّه» پس به حکم این روایت کسی که هرکدام از یکی از اهل بیت پیامبر را دشنام دهد یا آزار برساند مرتد است و لعنت خداوند بر او باشد و معاویه و یزید مصداق اتم این حدیث می‌باشند. امّا درباره جواز لعن یزید علاوه بر استدلال به آیاتی که گذشت خیلی از علمای بزرگ اهل سنت نیز فتوی به جواز لعن یزید دادند که به بعضی آنها اشاره می کنیم. از جمله این علماء قاضی عضدالدین ابجی صاحب شرح مواقف در کلام که در اشعار خود گفته: اللعن علی یزید فی الشرع یجوز و اللا عن یحوی خسات و بجوز و از جمله علمای عامه که قائل به لعن هستند ابوالفرج عبدالرحمن بن علی حنیلی معروف به ابن الجوزی که در این خصوص کتابی تألیف کرده بنام «الرّد علی المتعصب العنید المانع عن لعن یزید» که در حقیقت ردّ بر عبد المعتب بن زهیر الحنیلی است که او کتابی در فضائل یزید نوشته است. خلاصه و جمع بندی مطلب این است که با توجه آیات و روایات و فتاوای جمعی از علماء اهل تسنن و نیز با توجه به حوادث تاریخی تلخ که بعضاً ذکر شد به این نتیجه می‌رسیم که لعن و تبری از معاویه و یزید نه فقط جائز است بلکه مستحب و گاهی به حکم تبرّی از دشمنان خدا و رسول خدا واجب می‌شود، چرا که لعن اینها و امثال آنها در واقع تبرّی و بیزاری از خط و مشی آنها و نیز بیزاری از دوستان و پیروان آنها می‌باشد. در پایان یک مطلب را توضیح می‌دهم و آن لقبهای دروغینی که اهل سنت به معاویه دادند چون خال المؤمنین و کاتب وحی، که باید گفت معاویه کاتب مراسلات پیامبر با عرب بود نه کاتب وحی و اگر او بخاطر اینکه خواهرش ام حبیبه زن پیامبر بود خال المؤمنین لقب داده شد چرا محمد بن ابی بکر که برادر عایشه ام المؤمنین است مفتخر به این لقب نشد آیا چون محمد ابن ابی بکر پیرو امام علی (ع) بود از این لقب محروم شد؟!

آیا لعن بعضی از صحابه از جمله شیخین جائز است

در بحث قبلی به ادله جواز لعن فی حد نفسه و هم چنین به ادله جواز لعن افرادی که دارای صفات مذمومی چون ظلم و فسق و بهتان و دروغ و... پرداختیم و در واقع چنین لعنی بطور کل و عام بود، که لاشک چه زمان پیامبر(ص) و تا بحال این لعن کلی، افراد و مصادیقی دارد و ما با جستجو در کتب سیره و تاریخ و با استفاده از کتاب و سنت در پی پیدا نمودن این ملعونین هستیم ملعونین که یا صراحتاً توسط پیغمبر مورد لعن و نفرین قرار گرفتند مانند معاویه و یزید که اثبات فسق و کفر آنها گذشت و یا اینکه پیامبر افرادی را لعنت فرمود که امثال شیخین جزء آن افراد بودند مثلاً پیامبر فرمود:«لعن اللّه مَنْ تخلف عن جیش اسامه» و تاریخ نویسان نوشته‌اند که از جمله فراریان و متخلفین از سپاه اسامه شیخین بودند. بهرحال بعد از این مقدمه کوتاه به ادله جواز لعن بعضی صحابه از جمله شیخین می‌پردازیم. این ادله عبارتند از: ۱ - خداوند در قرآن تمام ظالمین را لعن فرموده از جمله این آیات قول خداوند متعال:«أَلا لعنهٔ اللّه علی الظالمین» «هود آیه ۱۸» و قول خداوند:«یوم لا ینفع الظالمین معذرتهم و لهم اللعنهٔ و لهم سوء الدار» «غافر ۵۲» و این مخصوص ظالمین از کفار نیست چنانچه بعضی‌ها گفته‌اند، چرا که هم تعلیق حکم به وصف است و هم جمع معرف به لام که افاده عموم می کند. و وجه استدلال به این آیات چنین است که: هر ظالمی در قرآن ملعون است، بعض صحابه از جمله

شیخین و عثمان به دیگران ظلم نمودند پس بعضی از صحابه از جمله شیخین و عثمان ملعون هستند. اثبات اینکه آنها ظلم کردند با مراجعه به تاریخ صدر اسلام و کتب معتبر فریقین در این زمینه خیلی آسان است و ما در اینجا به اندکی از موارد ظلم و تعدی آنها اشاره می‌کنیم: ۱ – آنها با غصب خلافت از حضرت علی (ع) به منصب امامت به خود و به حضرت علی (ع) و کسانی که حاضر نشدند با آنها بیعت کنند ظلم و ستم کردند و به همسر علی (ع) و دختر پیامبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه (س) نیز ظلم و ستم نمودند که به مواردی از آن اشاره خواهد شد، اثبات این موارد از ظلمهای آنها در گنجایش این رساله مختصر نیست و طالبین به مظان آن در کتب فریقین مراجعه کنند. ۲ – خداوند در قرآن می‌فرماید: «انَّ الذین یؤذون اللّه و رسوله لَعَنَهُمْ اللّه فی الدُّنیا و الآخرهٔ و أعدَّلهم عذاباً مهیناً» «الأحزاب ۵۷». و این آیه از جمله دلائل قاطع بر جواز لعن آنان می‌باشد و استدلال به این آیه بر جواز لعن آنها در چند وجه است: ۱ – اینان چنانکه در کتب سیره و تاریخ آمده در مواردی چند با حرف نشنوی و عناد با پیامبر (ص) پیغمبر را اذیت و آزار دادند که نمونه آن قضیه جِنگ اسامه و فرار آنها از جنگ و جهاد. ۲ – همانا ابوبکر و عمر و عثمان و پیروان آنها به حضرت زهرا (س) آزار رساندند و هرکه به فاطمه آزار برساند به گفته خود پیامبر همانند اینکه به رسول خدا آزار رسانده و هرکه به رسول خدا آزار رساند طبق نص صریح این آیه ملعون است. اما اینکه آنها به فاطمه (س) آزار رساندند احتیاج به استدلال آنچنانی ندارد و با مراجعه به کتب خود اهل سنت این مطلب روشن می‌شود. اولین ظلمی که بعد از وفات پیامبر نسبت به پاره تن او روا داشتند اینکه او را از ارث محروم نمودند و ملك فدك که حق شخصی او بود از او غاصبانه و ظالمانه گرفتند. و دومین ظلم و آزار آنها به فاطمه (س) این است که برای گرفتن بیعت از حضرت علی (ع) به خانه فاطمه حمله‌ور شدند و حضرت را در میان در و دیوار شکستند و محسن او را ساقط نمودند، آیا ظلمی و آزاری بالاتر از این ممکن است انجام گیرد این مطلب را اکثر علمای شیعه و بعضی از علما و سیره نویسان اهل سنت نوشتند. [۱۹] و خلاصه حضرت فاطمه از دنیا رحلت فرمود در حالی که از دو شیخین غضبناك بود چنانکه در صحیح بخاری و مسلم آمده: هرکه حضرت فاطمه (س) را غضبناك کند مثل اینکه حضرت رسول خدا را غضبناك فرموده چون حضرت فرمود:«فاطمه بضهٔ منی یدیینی ما أرابها و یؤذینی ما أذاها» و فرمود:«فاطمهٔ بضهٔ منی من اغضبها اغضبنی» [۲۰] سومین ظلم و آزار آنها به بهترین صحابه رسول خدا بود و ازار صحابه به عقیده خود آنها آزار رسول خدا است و آزار دهنده رسول خدا ملعون است، از جمله این صحابه که به آنها آزار رساندند حضرت علی (ع) و اسامهٔ ابن زید و ابوذر غفاری و عمار یاسر و عبدالله ابن مسعود و غیر از اینها چنانچه در کتب سیره و تاریخ آمده. ۳ – از جمله دلائل قاطع بر جواز لعن آنان اینکه در طول خلافتشان احکامی صادر نمودند که برخلاف حکم خدا و رسول خدا بود و هرکس چنین کند او ظالم و فاسق و کافر می‌باشد و ظالمین و کافرین به نص صریح قرآن ملعون هستند، از جمله احکام صادره از ابوبکر که برخلاف آنچه خداوند نازل کرده قضیه منع ارث حضرت فاطمه (س) و غیرو و آنچه از عمر صادر شده زیاد است که نمونه آن حکم تحریم متعه با ازدواج موقت و تحریم متعه حج و امر کردن به سنگسار مجنون و زن باردار و برداشتن حی علی خیر العمل از اذان و بدعت در اضافه الصلاهٔ خیر من النوم و امّا عثمان برعکس همه مسلمانان نماز در سفر را کامل می‌خواند و چنین حکم می‌کرد چنانکه در صحیح بخاری ج ۲ ص ۱۵۴ و صحیح مسلم ج ۲ ص ۲۶ آمده. از مجموع آیات ذکر شده و موارد و مصادیق آن استفاده می‌شود که بعضی از صحابه دارای چنین صفات مذمومی بودند که مستحق لعن و نفرین می‌باشند هرچند که این صحابه خلیفه هم باشند و اگر شیعه به بعضی از این صحابه لعن و نفرین می‌کند در واقع عمل به دستور قرآن نموده. البته شیعه برای حفظ وحدت اسلامی سعی می‌کند که اسم ملعونین را نبرد و لعن را بصورت کلی بر تمامی ظالمین بالأخص ظالمین اهل بیت پیامبر می‌فرستند که مسلّم این لعنت شامل خلفای ثلاثه و معاویه و یزید می‌شود هرچند که اسم آنها را به زبان نیاوریم، «اللّهم اللعن ظالمی اهل البیت جمیعاً»

نتیجه و خلاصه بحث

با استفاده از آیات قرآنی بخصوص آیه ۱۰۸ سوره انعام و احادیث نبوی و غیره و با بهره گیری از سیره رسول اکرم (ص) و نیز با توجه به فتاوای علمای فریقین، سب و دشنام گوئی، بطور کلی از منکرات است و مطلقاً جائز نیست هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ شرعی، لذا یک مسلمان شیعه پیرو قرآن و سنت هیچگاه به خود اجازه نمی‌دهد، برخلاف قرآن و سنت عمل کند بخصوص این عمل ناپسند بر امر تبلیغ و ادای رسالت اثر مرء دارد و جامعه ایده‌آل الهی را از هدف مقدّس خود دور می‌سازد امّا درباره مسئله لعن باید گفت که: از مجموع آیات و روایات وارده در باب لعن و نیز فتاوای فریقین، این نتیجه حاصل می‌شود که هر فرد مسلمان خواه صحابه باشد خواه تابعی که دارای چنین صفات مذموم مذکور در آیات و روایات باشد لعن آن جائز بلکه در مواردی مستحب و عبادت است، و شیعه به استناد همین آیات و روایات و نظر فقهاء به بعض از صحابه و تابعین که فاسق و ظالم بودند لعن و نفرین می‌فرستند، بخصوص افرادی که ظلم آنها به اهل بیت ثابت است چگونه مستحق لعن و نفرین نباشند در صورتی که چنانکه گذشت قرآن و رسول خدا صراحتاً آنها را لعن کرده، پس ما شیعیان نیز به پیروی از قرآن و پیامبر آنها را لعن می کنیم و لعن چنین افرادی چنانکه گذشت نه مستوجب فسق است و نه مستوجب کفر، بلکه لعن آنها بعنوان تبری از دشمنان خدا و رسول خدا عین طاعت و عبادت می‌باشد. بعضی از آیات و روایات آمده در متن رساله: قال رسول اللّه (ص): المؤمن لیس بلعّان. احیاء علوم الدین ج ۳ ص ۱۲۲ و قال (ص): انّ اللّه لایجب الفاحش المتفحش الصیّاح فی الأسواق. امام علی (ع) در جنگ صفین به یاران خود فرمود: انّی اکوه لکم ان تکونوا سبابین ولکنکم لو وصفتم اعمالهم و ذکرتهم حالهم کان اصوب فی القول و ابلغ من العذر. نهج البلاغه خطبه ۱۹۹ قال رسول اللّه (ص): سباب المؤمن فسوق و قتاله کفر. اصول کافی ج ۲ ص ۳۶ و صحیح بخاری ج ۸ ص ۱۸ قال تعالی: و ما جعلنا الرؤیا التی ارایناک الّا فتنهٔ للناس و الشجره الملعونه فی القرآن و نخوفهم فما یزیدهم الّا طغیاناً کثیراً. بنی اسرائیل ۶۲ قال رسول اللّه (ص): مَن سَبَّ علیاً فقد سبنی فقد سَبَّ اللّه. این روایت را نسائی و ثعلبی و رازی و ابن ابی الحدید و ابن جوزی آنرا روایت کرده و ابن حجر در صواعق محرقه خود روایتی تهیه و بالتر در این معنی از رسول خدا روایت می کند. قال رسول اللّه (ص): مَن سَبَّ اهل بیتی فانها یرتّد عن اللّه و الأسلام و مَن اذانی فی عترتی فعلیه لعنهٔ اللّه. و قال فاطمه بضعهٔ منی مَنْ اغضبها اغضبنی و قال (ص) فاطمهٔ بضعهٔ منی یریبنی ما أرابها و یؤذینی مَن أذاها. آدرس مفصل در متن آمده. ملاحظه: آنچه در بالا ذکر شد بخشی از آیات و روایات مورد استفاده و استناد و استشسهاد در بحث می‌باشد. نفرین شدگان توسط پیامبر آمده که ان شاءاللّه مورد استفاده قرار گیرد. و با حفظ آنها یا بخشی از آنها در استدلال بر جواز لعن در مباحثه کمک شایانی در افحام طرف مقابل خواهد بود.

نفرین شدگان در قرآن کریم

۱ – شیطان: – و انَّ عَلَیک اللّعنهٔ الی یوم الدین. الحجر ۳۵ – و انَّ علیک لَعْنَتی الی یوم الدین. ص ۷۸ ۲ – الکافرون: – انَّ الذّین کفروا و ماتُوا وَ هُم کّار أولئک عَلَیهم لَعنَهُ اللّهِ و الملئِکهِ و النّاسِ أَجمعینَ. البقره ۱۶۱ – انّ اللّهَ لَعَنَ الکفرینَ و أعَدَّ لَهُم سَعیراً. الأحزاب ۶۴ ۳ – المشرکون و المنافقون: – و یُعذّبَ المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکاتَ الظّانّینَ باللّهِ ظَنَّ السَّوءِ علیهم دائِرَهُ السَّوءِ و غضب اللّهُ عَلَیهم و لَعَنَهُم و أعَدَّ لَهُم جَهَنّمَ و سآءَتْ مَصیراً. الفتح ۶ – وَعَدَ اللّهُ المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنّم خلدین فیها، هی حَسْبُهُمْ و لَعَنَهُمْ اللّهُ و لَهُمْ عذابٌ مقیمٌ. التوبه ۶۸ ۴ – الظالمون: –.... ألا لَعَنَهُ اللّهِ علی الظّالمین. هود ۱۸ – یوم لا ینفع الظالمینَ معذرتُهُم و لهم اللّعنَهُ و لَهُم سُوُء الدّار. غافر ۵۲ ۵ – المفسدون فی الارض، الذین ینقضون عهد اللّه، القاطعون لأرحامهم – والذین ینقُضُونَ عَهدَ اللّهِ من بعد میثقِهِ و یقطعون مآ أمَرَ اللّه بِهِ ان یوصل و یفسدونَ فی الأرض أولئِکَ لَهُمُ اللّعنهُ و لَهم سُوءُ الدّارِ. الرعد ۲۵ ۶ – الکاذبون: – فَمَن حآجَّکَ فیه ما جاءکَ من العلم فقُل تعالَوْا نَدْعُ أبناءَنا و أبناءَکُمْ و نساءَنا و نساءَکم و أنفُسَنا و انفُسَکم ثمَّ نبتهِلْ فَنَجْعَلَ لَّعنت اللّهِ علی الکاذبین. ال عمران ۶۱ – والخِمِسَهُ أنَّ لَعنَتَ اللّهِ عَلَیْه ان کانَ من الکذبین. النور ۷ ۷ – الیهود و أصحاب السبت: – لعن الّذین کفروا مِن بنی اسرائیل علی لسان داودَ و عیسی ابن مَرْیَمَ ذلک بما عَصَوا و کانوا یعتدونَ.

المائده ۷۸ – یـا ایهـا الّـذین أوتوا الکِتَـبَ ءَامنوا بمـا نزَّلنا مصـدِّقاً لَما معکَم من قبل أن نطمِسَ وُجُوها منزُّوَّها علی أدبارِها أو نلعَنَهُم کما لَعَنا أصحبَ السَّبتِ و کانَ أمرُ اللَّه مفعولاً. النساء ۴۷ ۸ – الذّین یکتمون الحق (کتمان کنندگان حقیقت): – انَّ الذین یکتمون مآ أَنزلنـا مِّنَ البـیِّنتِ و الهُـدی مِّن بَعـد مـا بیَّنهُ للنّاس فی الکتـاب أولئـک یلعنهُـمُ اللّهُ و یلعنُهُـمُ اللعنُونَ. البقره ۱۵۹ ۹ – الـذین یمـون المحصـنات (بهتان زننـدگان به زنان پاکـدامن): – انَّ الذین یَرمونَ المحصَنتِ الغَفِلتِ المؤمنتِ لعِنُوا فی الدُّنیا و الآخرةِ و لهم عذابٌ عظیمٌ. النور ۲۳ ۱۰ – الـذین یؤذون اللّه و رسوله (ص) (آزار دهندگان به پیامبر (ص)): – اِنَّ الَّذین یُؤذونَ اللّه و رسولَهُ لَعَنَهُمُ اللّهُ فی الدُّنیا و الآخرةِ و أَعَدَّ لهم عذاباً مهیناً. الأحزاب ۵۷ ۱۱ – الذین یقتلون المؤمنین: – و مَنْ یقتل مؤمناً متعمِداً فجزآؤهُ جهنَّم خالداً فیها و غَضِبَ اللّهُ عَلَیهِ و لَعَنَهُ و أعَـدَّ لَهُ عـذاباً عظیمـاً. النساء ۹۳ ۱۲ – اصـحاب النـار: – قـال ادخُلوا فی أممٍ قـد خَلَتْ مِنْ قبلکم من الجنِّ و الأنـسِ فی النّار کُلّما دَخَلَتْ أُمَّةً لَعَنت أُختَها.... الأعراف ۳۸ در قرآن کریم بیش از چهـل بار واژه لعن تکرار شـده و از زبان خـدا و رسول خدا و فرشـتگان و مردم به افراد و گروههایی لعن و نفرین نثار شده است، که ما در اینجا جهت أختصار و بعنوان نمونه به این مقدار مذکور اکتفا نمودیم، تا سـند محکم و قاطعی باشد بر جواز لعن در بعضـی موارد و برای بعضی اشخاص و گروهها، و پس از ذکر این آیـات به ذکر مواردی از لعن و نفرین پیـامبر اکرم (ص) به بعضـی اشـخاص و گروهها می‌پردازیم، تا معلوم شود که موارد جواز لعن و نفرین هم در قرآن و هم در سنت نسبت به بعضی اشخاص و گروهها زیاد بوده.

نفرین شدگان توسط پیامبر اکرم

۱ – مسـند زید بن علی من صفحهٔ ۲۵۵ سطر ۴ الی صفحهٔ ۲۵۵ سطر ۷: حـدثنی زید بن علی عن ابیه عن جده عن علی (ع) قال: قال رسول اللّه (ص): انیّ لعنت ثلاثـهٔ فلعنهم اللّه تعالی: الأمام یتجر فی رعیته و ناکـح البهیمـهٔ و الذکرین ینکح احدهما الآخر. ۲ – مسند زید بن علی من صفحهٔ ۴۰۳ سطر ۶ الی صفحهٔ ۴۰۳ سطر ۱۱: حدثنی زید بن علی عن ابیه عن جده عن علی (ع) قال: قال رسول اللّه (ص): لعنت سـبعهٔ فلعنهم اللّه تعالی و کُل نبی مجاب الـدعوهٔ، الزائـد فی کتاب اللّه و المکـذب بقـدر اللّه تعالی لسـننی و المتحل من عترتی مـا حرم اللّه و المسـلط بالجبروت لیعزما ترذل اللّه. ۳ – کتاب الموطاء جلـد ۱ من صفحه ۲۳۸ سطر ۲ الی صفحه ۲۳۸ سطر ۴: حـدثنی یحیی عن مالک عن محمـد ابن ابی عبـدالرحمن، أن عن امه عمرهٔ بنت عبـدالرحمن، انّه سـمعها تقول: لعن رسول اللّه (ص) المختفی و المختفیـهٔ. یعنی نباش القبور. قال ابن عبـدالبر. روی عن عائشه مسـنداً. ۴ – مسـند زید بن علی من صفحهٔ ۴۰۴ سطر ۳ الی صفحهٔ ۴۰۴ سطر ۵: حـدثنی زیـد بن علی عن ابیه عن جـده عن علی (ع) قال: قال رسول اللّه (ص): یا علی لعنتک من لعنتی و لعنتی من لعنـهٔ اللّه و من یلعن اللّه فلن تجد له نصـیراً. ۵ – مسـند زید بن علی من صفحهٔ ۴۴۳ سطر ۱۸ الی صفحهٔ ۴۴۴ سطر ۲: اخرجه ابن الجوزی بلفظه عن رضـی اللّه عنه، و أخرجه الدار قطنی بأسـناده قال: قال رسول اللّه من أفتی الناس بغیر علم لعنته السموات و الأرض. ۶ – المدونه الکبری جلد ۴ من صفحهٔ ۴۲۷ سطر ۴ الی صفحهٔ ۴۲۷ سطر ۷: قال أشعب و قد قال مجابر بن عبدالله صاحب النبی (ص) مـا حرم أکله حرم ثمنه و قـال النبی (ص) لعن اللّه الیهود حرمت علیهم الشـحوم فباعوهـا و أکلوها أثمانها. ۷ – کتاب الأم جلـد ۶ من صفحهٔ ۱۵۷ سطر ۱۶ الی صفحهٔ ۱۵۷ سطر ۱۸: قال الشافعی أخبرنا مالک عن أبی الرجال عن امه عمرهٔ بنت عبدالرحمن أنَّ رسول اللّه (ص) قال:«لَعَنَ اللّه المختفی و المختفیه». ۸ – الأحکام فی الحلال و الحرام جلد ۲ من صفحه ۳۷ سطر ۴ الی صفحه ۳۷ سطر ۶: و فی ذلـک ما بلغنا عن امیر المؤمنین (ع) قال: لَعَنَ رسول اللّه (ص) الربا و آکله و موکله و بایعه و مشتریه و کاتبه و شاهـدیه. ۹ – الأحکام فی الحلال و الحرام جلد ۲ من صفحهٔ ۴۰۸ سطر ۱۲ الی صفحهٔ ۴۰۸ سطر ۱۴: و بلغنا عن علی (ع) قال: لعن رسول اللّه (ص) الخمرو عاصرها و معتصرها و بائعها، و مشربها و ساقیها، و شاربها و آکل ثمنها و حاملها و المحمولهٔ الیه. ۱۰ – روی الطبری فی تاریخه ج ۱۱ صفحه ۳۵۷: انّه رأی رسـول اللّه (ص) أباسـفیان مقبلاًـ علی حمـارٌ و معاویـهٔ یقـود به و یزیـد یسوق به فقـال (ص): لَعَنَ اللّهُ القائـد و الراکـب و السـائق! و الیـه اشـار محمـد بن ابی بکر فی کتـاب کتبه الی معاویـهٔ بقبـوله: و أنت اللّعین ابن اللعین. و ذکر هـذا الحـدیث

المیثمی فی مجمعه ج ۷ ص ۲۴۷: – و هکـذا لعن رسول اللّه (ص) المتخلفین عن جیش أسامه بقوله (ص) لعن من تخلف عن جیش أسامه و قد ذکر هذه القصهٔ کثیر من المؤرخین.

پاورقی

[۱] احیاء علوم الدین ج ۳ ص ۱۲۲.

[۲] عبدالرحیم صفی پور، منتهی الأدب و نیز رجوع شود به لسان العرب.

[۳] عبدالرحیم صفی پور، منتهی الأدب و نیز رجوع شود به لسان العرب.

[۴] عبدالرحیم صفی پور، منتهی الأدب و نیز رجوع شود به لسان العرب.

[۵] احیاء علوم الدین ج ۳ ص ۱۲۲ و ص ۱۲۳.

[۶] جامع السعادت ج ۲ ص ۲۸۲.

[۷] الانعام آیه ۱۰۸.

[۸] صحیح بخاری ج ۱ ص ۱۹.

[۹] سفینهٔالبحار ج ۱ ص ۵۶۲.]

[۱۰] مسند احمد بن حنبل ج ۳ ص ۱۲۶.

[۱۱] جواهر الکلام ج ۴۱ ص ۴۳۲.

[۱۲] تذکرهٔ الفقها علامه حلی ج ۱ ص ۴۵۶.

[۱۳] جواهر الکلام ج ۴۱ ص ۴۳۲.

[۱۴] مکاسب محرمه ج ۱ ص ۳۲.

[۱۵] جواهر الکلام ج ۲۲ ص ۶۰.

[۱۶] نهایهٔ ابن اثیر ج ۲ ص ۳۳۰.

[۱۷] تفسیر کبیر ج ۱۳ ص ۱۴۰.

[۱۸] اصول کافی ج ۲ ص ۳۶.

[۱۹] مستدرک الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۳ و خصائص انسانی ص ۳۶ و الأمامهٔ و السیاسیه از ابن قتیبه ج ۱ ص ۱۲.

[۲۰] مستدرک الصحیحین ج ۳ ص ۱۵۳ و خصائص انسانی ص ۳۶ و الأمامهٔ و السیاسیه از ابن قتیبه ج ۱ ص ۱۲ و اینجانب اکثر این موارد را مستدل در کتاب خود بنام النصوص و الأدلهٔ آوردم.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خـدا جهاد نماییـد؛ این برای شـما بهتر است اگر بدانید حضـرت رضا (علیه السّـلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشـهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار–ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الا-عظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹